

معاون صنایع دستی کشور:

با این دیدگاه مواجیم که صنایع دستی ایران بدبخت و نابود شده است



معاون صنایع دستی کشور گفت: متأسفانه در صنایع دستی گزاره‌هایی داریم از جنس توصیف که صنایع‌دستی را بدبخت و نابود شده می‌بیند و از معاون صنایع دستی انتظار دارد که هنرمندان صنایع دستی را بیمه کند. بدون در نظر گرفتن جمع جهات و اینکه وظیفه وزارتخانه تسهیل‌گری است. مریم جلالی دهکردی در گفت‌وگو با ایلنا، افزود: اگر به نظر می‌رسد که صنایع دستی وضعیت مطلوب ندارد دلایل آن است که به اقتصاد وصل نشده و سر نوشت هنر- صنعتی که به اقتصاد متصل نباشد همین است. وی بایبان اینکه اگر امروز مراقبت کافی از صنایع دستی ایران و هنرهای سنتی کشور انجام نشود، فردا دیگر هنری که میراث فرهنگی ایران است، وجود نخواهد داشت، ادامه داد: صنایع دستی ایران کم فروغ شده و تازمانی که شبیه به کورسوی یک چراغ باشد کسی به آن توجه نخواهد کرد. جلالی ادامه داد: متاسفانه در تمام حوزه‌های حاکمیتی متمرکز بر تولید هستیم. در صورتی که ادبیات دنیامتمرکز بر فروش است. باید ببینیم مشتری کیست؟ برخی هنرمندان مادر کارگاه‌های صنایع دستی هنری را رصد سال است به همان شکل تولید می‌کنند و نمی‌دانند مشتری کالای تولید شده‌شان کیست؟ اینجاست که باید به آن‌ها کمک کرد.

□□□

معرفی نامزد ایرانی جایزه «من می‌خوانم»

علی اصغر سیدآبادی از سوی شورای کتاب کودک به‌عنوان نامزد جایزه جهانی IREAD (من می‌خوانم) ۲۰۲۶ معرفی شد. به گزارش ایسنا، بنیاد «شن‌ژن» در چین و دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY)، اخیراً جایزه‌ای به نام IREAD (من می‌خوانم) را برای ابرو جان برجسته کتابخوانی بنیان نهاده‌اند که به منظور تشویق و ایجاد تعهد پایدار در قبال ترویج کتابخوانی و باامید ترویج کتابخوانی برای مردم کره زمین به فعالان این عرصه اهدا می‌شود. این جایزه مشوق افرادی است که حداقل سه سال، با ناوآوری و خلاقیت، در زمینه خواندن و شیوه‌های مختلف آن، با کودکان و نوجوانان فعالیت کرده باشند و فعالیتشان تداوم داشته باشد. نامزدهای این جایزه را در ایران شورای کتاب کودک- شاخه ملی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY)- تعیین و معرفی می‌کند. داوران گروه جواز ترویج شورای کتاب کودک، علی‌اکبر بهار، جعفر تونده‌جانی، فاطمه چاپکار، رویا شهری، لایلا کفاش زاده و ناموحدی پور هستند.

□□□

فیلم سینماگر ایرانی در جزایر قناری

مهدی فردقادری چهارمین اثر بلند خود را با عنوان علمی تخیلی «فضای فاز» در اسپانیا خواهد ساخت. این فیلم به‌طور کامل به زبان اسپانیایی و در یک تک‌برداشت فیلم‌برداری می‌شود. به گزارش ایسنا، این فیلم طبق برنامه‌ریزی، اواخر سپتامبر در جزیره لانزاروت- شرقی‌ترین جزایر قناری اسپانیا- جلوی دوربین می‌رود. گفته می‌شود هم‌اند «جوادنگی» فیلم‌جدید نیز به‌صورت یک‌برداشت مداوم و بدون هیچ گونه قطع پنهانی فیلم‌برداری خواهد شد. مهدی فرد قادری به ورایتی گفت: «این فیلم از نظر فنی و احساسی بسیار چالش برانگیز است. فیلم ترکیبی از زبان‌بصری سورئال و روایت روان‌شناختی ارائه می‌دهد و فضایی میان واقعیت و خیال خلق می‌کند.» کارنامه کارگردانی فردقادری شامل فیلم‌های «بی‌وزنی» (۱۹۸۹) و «آزدگان» (۲۰۲۳) نیز هست که در جشنواره‌های بین‌المللی حضور داشته‌است. فردقادری گفت: «پس از پایان فیلم‌برداری در اسپانیا و انجام مراحل پس تولید در فرانسه، برنامه این است که فیلم برای جشنواره کن آماده‌شود.»

□□□

شماره ۹» به جشنواره‌ای آمریکایی راه یافت

فیلم کوتاه «شماره ۹» به کارگردانی علی صفری به جشنواره فیلم بنیاد فرهنگ آمریکاره پیدا کرده به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی پروژه، این جشنواره سال ۲۰۰۹ تأسیس و به یکی از جشنواره‌های پیشرو در زمینه گرمیاداشت میراث ایرانی از طریق فیلم کوتاه، ویدئو و انیمیشن تبدیل شده است. تمامی آثار بر اساس خلاقیت، کیفیت و اصالت مورد ارزیابی قرار گرفته و برای دریافت جوایز نقدی به ارزش ۱۰،۰۱۵، پنج و سه هزار دلار بنیاد فرهنگ با یکدیگر به رقابت می‌پردازند. رها حاجی‌زینل و ترگس شهرجری در فیلم کوتاه «شماره ۹» به ایفای نقش پرداخته‌اند. احمد هلاوند و ساحل زمانپور در مقام تهیه‌کننده و آنهاتما گویی در مقام مجری طرح در این پروژه حضور دارند.

□□□

جشنواره فیلم ونیز هک شد

جشنواره فیلم ونیز تأیید کرد که قربانی یک حمله سایبری شده که منجر به افشای داده‌های شخصی شرکت کنندگان معتبر این دوره، از جمله اعضای رسانه‌ها، شده است. به گزارش ایسنا، در اطلاعاتی که به افراد تحت تأثیر این حمله (از جمله خبرنگاران هالیوود رپورتر) -ارسال شد، بر گزار کنندگان جشنواره اعلام کردند که این حمله در تاریخ ۷ جولای رخ داده و افراد ناشناس به سرورهای جشنواره نفوذ کرده و اسناد ذخیره‌شده در آن‌ها را کپی کرده‌اند. داده‌های فاش شده شامل نام‌ها، آدرس‌های ایمیل، شماره تلفن‌ها، کدهای مالیاتی و آدرس‌های پستی افراد بوده است. جشنواره ونیز اعلام کرد: «هم‌فناوری اطلاعات ما به سرعت وارد عمل شد، سیستم‌های آسیب‌دیده را از لوله کرده و ایمن‌سازی نمود. مقامات مرتبط فوراً در جریان قرار گرفتند و عملیات بازگردانی سیستم‌ها آغاز شد.»

درباره نمایش «قاب» به کارگردانی زهرا محمدی

ژست‌های دروغین خانوادگی مقابل دوربین عکاسی

این تقلا ی هر روزه که پیروزی و شکست در آن نامعلوم است بی‌شک ارزش تجربه کردن دارد و می‌بایست جدا از محصول نهایی و دستاوردها و ناکامی‌هایش قضاوت شود.

ذیل این بحث خوب است به نمایشی بپردازیم از این نسل که این شب‌ها تحت عنوان «قاب» به کارگردانی زهرا محمدی در سالن اصلی مجموعه تئاتر مولوی بر صحنه است. متن نمایشنامه را «کرول فرشت» کانادایی نوشته و در یک درام کوتاه خانوادگی، به مصائب اعضای خانواده‌ی پر درخسته که به نظر می‌آید می‌بایست زندگی مبتنی بر رفاه و همبستگی داشته باشند اما چیزی که بر صحنه می‌بینیم نشان از واقعیتی دیگر است.

کارول فرشت نویسنده‌ای که در سال ۱۹۴۹ به دنیا آمده و اهل کبک کانادا بوده و در مونترال زندگی می‌کند در این متن توانسته به خوبی بحران اخلاقیات نهاد خانواده را عیان کند. عنوان اصلی نمایشنامه «ژست جلوی دوربین» نام دارد و مربوط می‌شود به دقایقی کوتاه از زندگی یک خانواده چهار نفره که این فرصت را یافته‌اند کنار هم قرار گرفته و به یادگار عکسی مشترک در مقابل دوربین پسر خانواده که «ژروم» نام دارد بگیرند.

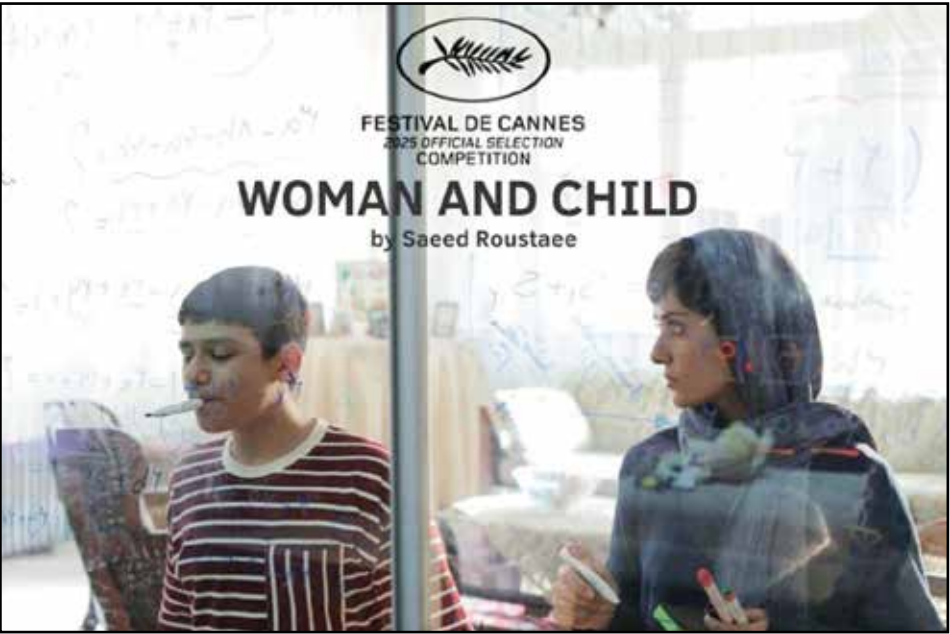
اما تنش پنهان مابین این چهار نفر چنان بالا است که این اتفاق هرگز نمی‌افتد و آرزوی عکسی از کنار هم قرار گرفتن تمامی اعضای خانه به امری ناممکن بدل می‌شود. اشاره‌ای استعاری به زندگی مدرن شهری و صمیمیت‌های سرد. جایی که فردگرایی افراطی کمر به نابودی روابط انسانی بسته و حتی والدین و فرزندانشان نمی‌توانند نسبت به یکدیگر عشق بورزند و عواطف بشری را بی‌شائبه به نمایش گذارند.

به دیگر سخن در این جامعه انترتاعی و بروکراتیک، بیش از پیش عقل معاش‌اندیش سیطره یافته و تمامی عرصه‌های زیست بشری به تسخیر درآمده است. کارول فرشت به مانند اغلب نویسندگان غربی که رویکردی انتقادی به وضعیت معمول جهان دارند به ساختار خانواده می‌پردازد و با آشکار کردن رازهای پنهان، این نکته را تذکار می‌دهد که بی‌توجهی نسبت به دیگران چنان گسترش یافته که مستوجب برآمدن فضاهای خشن و بی‌عاطفه شده است.

پرده نقره‌ای

نگاهی به فیلم «زن و بچه»؛ چهارمین ساخته سعید روستایی

موقعیت‌سازی به جای داستان‌سرایی



محمد تقی زاده

«زن و بچه» داستان بومی و ساده‌ای دارد و خانواده‌ای را ترسیم می‌کند که متشکل از دو خواهر، مسافر، دو بچه کوچک است. به تدریج مناسبات این خانواده و شخصیت‌ها معرفی و تشریح می‌شود و اتفاقات مهیج و غیرقابل انتظار قرار است موتور محرک فیلم باشد. فیلم ۲ ساعت و ۱۱ دقیقه است و فرقی که با سه فیلم قبلی فیلمساز دارد این است که روستایی در «زن و بچه» سعی کرده از طریقه ضعیف و فقیر جامعه تا حدی فاصله گرفته و به قشر متوسط جامعه نزدیک‌شود.

امتیاز فیلم‌های سعید روستایی که باعث شده بسیاری او را بهترین فیلمساز نسل جدید سینمای ایران معرفی کنند، توجه او به سادگی و بی‌شکلی موضوعات و دغدغه‌های مردم است. او به جای پرداختن به مسائل پیچیده و انتقادی، به زندگی روزمره و مشکلات کوچک مردم می‌پردازد. این ویژگی باعث شده فیلم‌های او به راحتی در ذهن مخاطب بماند و به راحتی با آنها ارتباط برقرار کند.

فیلمساز نسل جدید سینمای ایران



شده و تاحد زیادی ابعاد مختلف آن به تصویر درآمده و مخاطبان با آن ارتباط گرفتند. در «زن و بچه» نیز علاوه بر مضامین متعدد، روستایی سعی کرده تصویری از ایران و زن و خانواده ایرانی ارائه دهد که درستی و نادرستی این بازنمایی محل بحث بوده و حتی برخی این تصویرسازی را بیش‌تر برای جلب نظر مسئولان‌ها و به طور خاص پذیرش در جشنواره کن عنوان کردند.

نقد فیلم

ایراد و اشکال فیلم آن همان ابتدای آن آغاز می‌شود وقتی که متوجه می‌شویم نزدیک یک ساعت فیلم صرف اتفاقی می‌شود که ظرف ۱۰ دقیقه هم قابل تعریف و تصویر شدن بود. شخصیت پسر بچه فیلم، علی یار، نقش مهمی در قصه دارد و شاید بتوان گفت کلیت فیلم روی حضور و حذف او می‌چرخد ولی این همه تأکید روی جزئیات غیر ضروری علی یار که در نهایت به مرگ او می‌انجامد کارکرد در امتداد یک نداشته و این افتتاحیه فیلم روستایی نیز همانند دیگر فیلمش متری شش و نیم، فاقد اعتبار و کارآمدی در روایت و پیشبرد قصه بوده است.

این استراتژی روایی فیلمساز حساب باز کرده است یعنی بسا فیلمی مواجه هستیم که موقعیت‌های تکان‌دهنده و غیر قابل انتظار زیاد دارد و از سوی دیگر به شدت دیالوگ محور است و روی روایت داستان از طریق دیالوگ و تبیین شخصیت‌ها حساب باز کرده است.

از سوی دیگر، مضمون در فیلم‌های روستایی از دیگر مسوارد قابل توجه او بوده به‌طوری که اصولاً در سه فیلم اول او یعنی «بد و یک روز»، «متری شیش و نیم» و «برادران لیلا» مضمون فقر جزو موضوعات مشترک فیلم‌ها محسوب



همه چیز به ژست‌های دروغین مقابل دوربین عکاسی و باز نشر در شبکه‌های اجتماعی تقلیل یافته و این مسئله نمی‌تواند بدون عقوبت و آسیب‌گسترده اجتماعی باشد.

حال بسا توضیحانی که داده شد به اجرایی بپردازیم که زهرا محمدی در مقام کارگردان تدارک دیده و به هم‌راه گروه جوان تئاتری‌اش،

که مقابل دوربین عکاسی می‌ایستند، واجد نوعی از ژست‌های ایستای بدنی بوده و کلیت اجرا همچون یک عکس خانوادگی محسوب شده است.

سیاست اجرا علیه بازنمایی دقیق مناسبات درونی متن نمایشنامه عمل می‌کند و قسمتی از دیالوگ‌ها بر انتهای صحنه نقش بسته و از کنش بدنی بازیگران منفک می‌شود. کارول کرشت در نمایشنامه‌اش، وقتی می‌نویسد «ژست مقابل دوربین» شاهد هستیم که چگونه شخصیت‌ها مشغول تک‌گویی‌هایی شده و کلماتی را بر زبان می‌آورند که ذهنیت‌شان است و دیگران متوجه آن نمی‌شوند.

زهرا محمدی ترجیح داده این تک‌گویی‌ها را حذف کند و از طریق ژست‌های ایستای بدنی، در حد توان به مرحله اجرا و رویت‌پذیری درآورد. گو اینکه این قصیه در بعضی صحنه‌ها ناممکن شده و حتی به گنگی مناسبات منتهی شده است. اما در نگاهی کلی می‌توان این حذفیات را در خدمت حرکت به سوی بیش‌تر کردن حجم ایستایی ژست‌های مقابل دوربین عکاسی دانست و کمابیش موافقتش بود.

بازگرایی چون شایان تقدیسی، زرگل کلیار، نهال فرجادی و فواد تباک شخصیت‌های خانوادگی این نمایشنامه را بازی می‌کنند. پدر، مادر و پسر و دختر تشکیل‌دهنده این خانواده در ظاهر آرام‌اما پر از تنش بوده و بازیگران جوان اجرا، توانسته‌اند بدون صداسازی و بازی‌های اغراق‌شده، آن‌ها را بر صحنه اجراپذیر کنند.

از این باب می‌توان به ایسن گروه که گویا قبل از این در شهر مقدس مشهد مشغول فعالیت بوده افرین گفت‌ت به انتظار اجراهای تازه‌ای از آنان بود. هنرمندان جوان مشهدی نشان داده‌اند که ظرفیت بالایی برای به صحنه بردن نمایش‌های آوانگارد داشته و در این سال‌ها، شاهد هنرنمایی‌شان در تئاتر تجربی و حرفه‌ای کشور بوده‌ایم.

در نهایت می‌توان گفت اجرایی چون نمایش «قاب» با تمامی جمع‌وجور بودن و میزانشن‌های ایستا و ریاضیاتی‌اش، این امکان را فراهم کرده که مواجهه‌ای سرخوشانه با یک متن کوتاه از یک نویسنده مهم غربی فراهم شود و گروه جوان اجرایی‌اش با تغییراتی که در متن نمایشنامه اعمال کرده، توانسته صدای خودآیین خویش را عرضه کند و مقهور نام‌های بزرگ نشود. امید است در ادامه کار این گروه همدل و پر شور، شاهد بر صحنه آوردن نمایش‌هایی باشیم که بیش از این جسارت به خرج داده و نظم نمادین را بحرانی‌تر کند.

ادامه پیدا کرده است؛ روستایی در مقام نویسنده فیلم‌هایش هر چند خوب دیالوگ‌نویسی می‌کند و خوب موقعیت‌های جذاب می‌سازد و از سوی دیگر، سکانس‌های تأثیرگذار تصویر می‌کند در خلق داستان لنگ می‌زدند و همه آثارش از بابت قصه‌گویی دچار لکنت می‌شوند.

در «زن و بچه»، با افتتاحیه طولانی طرفیم، بعد از آن شخصیت‌ها با انگیزه‌های نه‌چندان منطقی معرفی می‌شوند و کشمکش‌های مختلف شکل می‌گیرد. اما این داستان و کشش آن نیست که مخاطب را همراهی می‌کند بلکه موقعیت‌های پشت‌سرهم و متعددی است که به قولی وقت سسر خاراندن به تماشاگر نمی‌دهد و این گونه به جای تبیین قصه او را سرگرم و مرعوب می‌کند.

مسئله اصلی فیلم بعد از مرگ علی یسار، پیدا کردن مقصر مرگ او توسط مهناز است که افراد مختلفی از ناظم مدرسه، پدر شوهر، خواهر، منشی و... در مظان اتهام هستند و حتی همگی از تیغ انتقام مهناز در امان نیست و جنگلی ضرب‌بهایی از مهناز خورده و به او ضرباتی نیز می‌زنند!

در جمع‌بندی «زن و بچه» باید نوشت که این فیلم از نظر فیلمنامه ضعیف‌ترین



فیلم سعید روستایی است با این توضیح که حجم زیاد اتفاقات پشت‌سرهم مجال توجه به ریزه‌کاری‌های کارگردانی را نمی‌دهد و اگرچه کارگردانی روستایی حائز امتیازاتی مهم است؛ اما در سایه یک قصه مضمون زده، پر حرف، طولانی و با سکانس‌ها و شخصیت‌های اضافی نه تنها کارگردانی فیلم به محاق رفته؛ بلکه روستایی که زمانی با دیالوگ‌ها، موقعیت‌ها کاراکترهایش محبوب شده بود اینجا فیلمی ساخته که فقط در حال موقعیت ساختن، دیالوگ گفتن زیاد از حد به جای تصویر ساختن و همچنین مضمون زدگی اپوزیسیونی به جای طراحی یک قصه بومی و بیان معضلات اجتماعی شده‌است.

کارکرد جشنواره‌ای مهم و زیادی دارند و باعث شدند تا چهارمین فیلم سعید روستایی جشنواره پسندترین فیلم کارنامه او نیز باشد. فیلمی که پر است از مضامین اپوزیسیون، انتقادی و اعتراضی که اگرچه از نظر سینمایی پر داخت درستی ندارند؛ اما از نظر مانیفست و محتوای ظاهری می‌توانند برای فیلم و حضور در جشنواره‌ای چون کن اعتبار و امتیاز بیافزیند.

اشکال اصلی سینمای سعید روستایی که در «زن و بچه» نیز وجود دارد، مشکل قصه‌گویی به جای موقعیت‌سازی است؛ مسئله‌ای که در فیلم پر مخاطب متری شش و نیم نیز وجود داشت و تا الان در «زن و بچه»

که بگذریم به شخصیت‌ها، کشمکش‌ها و انگیزه کاراکترها می‌رسیم. اینکه مهناز با بازی پری‌ناز ایزدیار چرا باید با حمید با بازی پیمان معادی ارتباط بگیرد؟ حمید واحد چه ویژگی منحصر به فردی است که مهناز و مهری (خواهر مهناز) به او علاقه‌مند می‌شوند؟ چگونه ممکن است که یک نفر در جریان خواستگاری خواهر بزرگ‌تر و جلوی این همه آشنا و فامیل، چنین چشم‌چرانی کند و خواهر کوچک‌تر را دید بزند و در نهایت یک دل نه صد دل عاشق او شود؟ یا چه رو و جراتی، خانواده حمید به مادر مهناز زنگ می‌زنند که ما دختر بزرگ‌تر شما را با وجود ارتباط دوساله با پسرمان نمی‌خواهیم و حمید می‌خواهد به